

---

# همکاری‌های ایران و روسیه و سیاست‌های امریکا در قبال ایران<sup>۱</sup> کامران طارمی

## چکیده

ایران و روسیه، از گسترش روابط با یکدیگر اهداف جداگانه‌ای را جستجو می‌کنند و در این میان اهمیت همکاری‌های سیاسی این دو کشور در بازداشتن امریکا از تشدید اقدامات خود بر ضد ایران در خور تأمل بسیار است. این دو کشور در نگرانی از نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی امریکا در منطقه آسیای میانه و قفقاز، نیز خطرات یکجانبه‌گرایی امریکا اشتراک نظر دارند. افزون بر آن روسیه، ایران را بازار مناسبی برای تجهیزات و تکنولوژی نظامی و غیرنظامی خود می‌داند و در مناسبات امنیتی منطقه جایگاه ویژه‌ای برای ایران قائل است. در مقابل، ایران نیز روسیه را به ویژه از نظر تأمین برخی تسلیحات و تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر پاسخگوی برخی علایق نظامی خود می‌داند و از این رو هر دو کشور در پی پیشبرد منافع خود از طریق تعمیق و گسترش روابط فیما بین هستند.

---

۱. این مقاله براساس گزارش کارشناسی آقای دکتر کامران طارمی در دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس تنظیم شده که پیش از این مستقلاً با شماره ۶۳۹۴ در اردیبهشت ۱۳۸۱ انتشار یافته است.

با این حال، مشکلات اقتصادی روسیه و نیاز این کشور به کمک‌های گسترده مالی امریکا، متحدین غربی آن و نهادهای مالی بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی موجب می‌شود که حمایت‌های مسکو از ایران تنها زمانی ادامه یابد که روابط آن با امریکا دچار مخاطرات جدی نشود. در این میان نقش روسیه در جلوگیری از تشکیل یک ائتلاف سیاسی بین‌المللی بر ضد ایران و استفاده آن کشور از حق و تو در سازمان ملل می‌تواند شایان توجه باشد و از این رو لازم است چارچوبی واقع‌گرایانه و عینی برای تعمیق و گسترش روابط دو کشور ترسیم و اهداف موردنظر در راستای آن تعقیب شوند.

#### مقدمه

رفتارهای سیاست خارجی ایران و روسیه در قبال تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی همواره با نوساناتی همراه بوده است. می‌توان گفت علت بروز چنین نوساناتی آن است که نگاه روسیه به همکاری با جمهوری اسلامی ایران بیشتر تاکتیکی، و تصور ایران از همکاری با روسیه بیش‌تر استراتژیک بوده است. از این‌رو، در حالی که ایران از طریق گسترش و تعمیق مناسبات استراتژیک با روسیه، به دنبال افزایش تواناییهای نظامی، ارتقای قدرت چانه‌زنی‌های دیپلماتیک در منطقه و مهم‌تر از همه، احراز تواناییهای لازم برای مقابله با تهدیدات ایالات متحده است روسیه با همه اهمیت‌هایی که برای همکاریهای خود با ایران قایل است تنها از آن برای تأمین منافع حیاتی و استراتژیک خود که از پایه‌های اصلی آن، همکاری با غرب و ایالات متحده و اجتناب از تنش با امریکاست استفاده می‌کند. رویه شناخته شده این کشور در این مسیر همواره بر فرمول «زمان مناسب و استراتژی مناسب» استوار بوده است. تعویق سفر وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران به مسکو در اسفند ۱۳۸۰ که با اعمال فشار ایالات متحده هم‌زمان بود و سفر آقای دکتر خرازی در فروردین ۱۳۸۱ به مسکو که با ابراز تمایل تازه روسیه برای تحرک بیشتر در قبال مسائل خاورمیانه مقارن بود، به روشنی گواه واقعیت‌های یاد شده است.

با عنایت به دیپلماسی سفر که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جایگاه برجسته‌ای دارد و دیپلماسی اقتضا سنجی روسیه و نیز نگاه دو طرف به همکاری‌های دو جانبه و نحوه نگرش به مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، گزارش حاضر می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که «آیا روسیه می‌تواند نقش بازدارنده‌ای در قبال حمله احتمالی ایالات متحده به جمهوری اسلامی ایران ایفا کند؟»

### از «کمونیسم» تا «محور شرارت»

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دولت امریکا به دلیل حذف دشمن یا رقیبی که تمامی سیاستهای امنیتی و دکترین نظامی واشنگتن بر پایه ضدیت با آن تنظیم می‌شد، دچار سردرگمی راهبردی شد. ایالات متحده در سال‌های پس از جنگ سرد، همواره کوشیده است بر این ابهام یا سردرگمی استراتژیک غلبه کند. ولی حتی برجسته کردن تهدیدات ناشی از حرکات و حکومت‌های ملی و اسلامی در کشورهای جهان سوم که حاضر نبودند از سیاستهای مستقل و ضد امریکایی خود عدول کنند نتوانست کمک مؤثری به تدوین سیاستهای امنیتی این کشور کند. اکنون به نظر می‌رسد حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۲۰ شهریور ۱۳۸۰) و پیامدهای آن، فرصت مغتنمی در اختیار امریکا گذاشته است تا مبارزه با تهدید واقعی تروریسم را که همه جهان به نحوی آن را لمس و درک می‌کنند در اولویت قرار دهد.

در این میان، ایران به زعم امریکا یکی از کشورهای حامی تروریسم است. واشنگتن، ایران را متهم به حمایت از گروه‌هایی کرده است که خود آنها را تروریست می‌خواند. از دیدگاه واشنگتن مهمترین این گروه‌ها عبارتند از: حزب ... لبنان، حماس و جهاد اسلامی در فلسطین اشغالی. علاوه بر این، دولت امریکا، ایران را به دست داشتن در عملیات تروریستی بر ضد خود متهم، و در این زمینه به انفجار در تهران، سقوط هواپیما TWA، شرکت در بمب‌گذاری در ساختمان یهودیان در آرژانتین، حمله به سفارت اسرائیل در لندن

و بسیاری اقدامات دیگر اشاره می‌کند. از دیگر دولتهای حامی تروریسم از دیدگاه امریکا می‌توان عراق، کره شمالی، سوریه و لیبی را نام برد.

دولت امریکا در دوران جنگ سرد اقدامات مختلفی بر ضد ایران انجام داد تا آن وادار به تمکین در برابر خود کند. ترغیب عراق برای حمله به ایران در آغاز دهه ۱۹۸۰، اعمال مجازاتهای اقتصادی یک جانبه نظیر منع داد و ستد با ایران، مجازات شرکتهایی که در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه گذاری کنند و نفروختن تجهیزات دفاعی به ایران از اهم این اقدامات است. در دوره حکومت کلینتون (۲۰۰۱-۱۹۹۳) در چارچوب استراتژی «مهار دو جانبه»، محدودیتهای بر ضد ایران ادامه یافت. ایران و سایر کشورهای مخالف امریکا نظیر عراق، کره شمالی، سوریه و لیبی «دولتهای باغی یا سرکش» نام گرفتند. پس از روی کار آمدن دولت بوش در سال ۲۰۰۱، سیاست مهار ایران ادامه یافت. واقعه ۱۱ سپتامبر و پیامدهای آن، فرصت تازه و بی بدیلی برای امریکا در عرصه سیاست خارجی و امنیت ملی این کشور پدید آورد. در آغاز سال ۲۰۰۲ دولت بوش به نحو غیر منتظره‌ای به سه کشور عراق، کره شمالی و لیبی «محور شرارت»<sup>۱</sup> اطلاق و آنها را به دست زدن به اقدامات تروریستی بر ضد امریکا و حمایت از گروههای تروریست فراملی متهم کرد.

پس از گذشت چند ماه، هنوز تعریف روشنی از «محور شرارت» و پیامدهای آن برای سیاست خارجی امریکا در دست نیست. این واژه را نخستین بار در جنگ جهانی دوم «متفقین» برای توصیف دشمنان خود یعنی آلمان، ایتالیا و ژاپن به کار بردند.<sup>۲</sup> برخی استفاده دولت بوش از این واژه را تأکیدی بر تلاش امریکا برای جلوگیری از انتقال سلاحهای کشتار جمعی توسط ایران، عراق و کره شمالی به گروههای تروریستی نظیر القاعده دانسته‌اند.<sup>۳</sup> گروهی دیگر، معتقدند امریکا در پی آن است که به این سه کشور تفهیم کند برای جلوگیری از دستیابی آنها به سلاحهای کشتار جمعی کوتاهی نخواهد کرد، حتی اگر

1. axis of evil

2. Massimo Calabresi, "The Axis of Evil. Is It for Real?" *Time*, 11 February, 2002, p. 3.

3. *Ibid.*, p.3.

این امر مستلزم حمله نظامی به این کشورها باشد.<sup>۱</sup> گروه دیگری گفته‌اند که عبارت «محمور شرارت» بیشتر برای مصرف داخلی جعل شده و دولت بوش قصد متقاعد کردن کنگره آمریکا را دارد تا برای مبارزه با تروریسم بودجه نظامی این کشور را افزایش دهد و بویژه از کنگره می‌خواهد بودجه قابل ملاحظه پیشنهادی وی را برای سیستم دفاع موشکی ملی تصویب کند.<sup>۲</sup>

صرف نظر از معنای دقیق این عبارت و اینکه بیانگر اتخاذ چه نوع سیاست‌هایی در قبال این سه کشور است، این کشورها به ویژه ایران باید مشخص سازند که چگونه می‌توانند از خود در قبال تهاجمات احتمالی آمریکا در چارچوب سیاست «محمور شرارت» دفاع کنند. این گزارش، در پی یافتن پاسخ این پرسش است که آیا همکاری‌های سیاسی ایران و روسیه توانایی بازداشتن آمریکا از حمله به ایران را دارد؟ در غیر این صورت، روسیه به عنوان دوست ایران چه واکنشی از خود در قبال تهاجم احتمالی آمریکا به کشورمان نشان خواهد داد و ایران می‌تواند انتظار چه نوع کمک‌هایی را از آن داشته باشد؟ برای پاسخ به پرسش نخست، باید مبانی اتحاد ایران و روسیه و اهمیت این اتحاد برای روسیه، روشن گردد. برای پاسخ گویی به پرسش دوم، با بررسی گذشته به واکنش روسیه به حمله آمریکا بر دیگر متحدان این کشور می‌پردازیم. سپس، در پاسخ به پرسش سوم به نوع کمک‌های احتمالی روسیه اشاره خواهد شد.

### همکاری ایران و روسیه: دلایل و میزان اهمیت آن برای مسکو

برای پاسخ گفتن به این پرسش که آیا همکاری تهران - مسکو قادر به بازداشتن آمریکا از تهاجم به ایران هست یا نه، باید دید که همکاری با ایران به چه دلایلی و تا چه میزان برای روسیه اهمیت دارد؟

1. George Wehrefritz and Gregory Beals, "Powell's New War", *Newsweek*, 11 February, 2002, p. 24.  
2. *Ibid.*, p. 25.

یکی از نگرانیهای مهم روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ رشد نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی امریکا در جمهوریهای پیشین این کشور و منطقه اروپای شرقی است. روسیه، همچنین نگران نظام تک قطبی موجود است که امریکا در آن خود را تنها ابرقدرت و فعال مایشاء می‌پندارد. از این دیدگاه، روسیه ایران را شریک خود می‌داند چرا که تهران نیز مانند مسکو مخالف گسترش ناتو به سمت شرق، بسط نفوذ اقتصادی و سیاسی امریکا در منطقه قفقاز و آسیای میانه، نیز سلطه غرب بویژه ایالات متحده بر منابع انرژی کشورهای این حوزه و حذف کردن ایران و روسیه از مسیرهای انتقال منابع انرژی منطقه به دنیای خارج است. از این گذشته مسکو، ایران را بازار مناسبی برای فروش تسلیحات روسی می‌داند زیرا غربی‌ها تمایلی به فروش سلاح به ایران ندارند.

از زمان خاتمه جنگ تحمیلی، روسیه به تأمین کننده اصلی جنگ افزارهای نظامی ایران بدل شده است. فروش هواپیماهای جنگنده، سیستم‌های پدافند هوایی موشکی، تانک و نفربر زرهی و زیردریایی نمونه‌هایی از اقلام نظامی مهمی است که روسیه در اختیار ایران قرار داده است. علاوه بر آن، روسیه در انتقال تکنولوژی نظامی به ایران نیز نقش فعالی داشته است. آموزش دانشجویان و متخصصان ایرانی در علوم موشکی در دانشگاهها و موسسات تحقیقاتی روسیه و بعضاً به خدمت گرفتن متخصصان روسی در ایران جلوه‌هایی از این امر است.<sup>۱</sup> مهم‌تر از درآمدهای ارزی حاصل از فروش سلاح به ایران، استفاده روسیه از این امر به عنوان برگ برنده‌ای در روابط با ایالات متحده استفاده می‌کند. مسکو، همچنین ایران را بازار مناسبی برای فروش تجهیزات و تکنولوژی غیرنظامی خود می‌داند. مشارکت روسیه در تکمیل نیروگاه اتمی ایران در بوشهر، گسترش نیروگاههای بخاری و توسعه میداین گازی ایران در منطقه خلیج فارس، بعضی از علایق مهم اقتصادی روسیه در بازار ایران است. افزون بر آن، روسیه برای حل و فصل اختلافات سیاسی در آسیای میانه و

1. Stuart D. Goldman et al., "Russian Missile Technology and Nuclear Reactor Transfers to Iran", *Congressional Research Service Report for Congress*, Updated 29 July 1998, pp. 8-9, 10; and Fred Wehling, "Russian Nuclear and Missile Exports to Iran", *The Nonproliferation Review*, Vol. 6, No.2 (Winter 1999), pp. 138, 140-41.

تفقاژ که برای حفظ امنیت این منطقه ضروری است به همکاری ایران نیاز دارد. نمونه‌هایی از این اختلافات بحران چین، مناقشه ناگورنو - قره‌باغ و جنگ داخلی گذشته در تاجیکستان است. روسیه همچنین ایران را یابوری مهم برای مبارزه با رشد بنیادگرایی اسلامی از نوع سنی و افراطی آن می‌داند.

### روسیه و تهاجم احتمالی امریکا به ایران

بسیار بعید به نظر می‌رسد که روسیه در صورت تهدید جدی امریکا برای حمله به ایران، در کنار ایران بایستد. مهمترین علت این امر، مشکلات اقتصادی گسترده روسیه است که مسکو را برای نجات اقتصاد خود از ورطه بحران و بازسازی اقتصادی به کشورهای غربی و بخصوص امریکا وابسته کرده است. نگاهی به شاخصهای اقتصادی روسیه ماهیت این مشکلات را بوضوح نشان می‌دهد. به استثنای رشد تولید ناخالص داخلی روسیه در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱، اقتصاد این کشور در سال‌های پس از فروپاشی، مانند اقتصاد ایران در زمان جنگ تحمیلی پیوسته روند انقباضی داشته است. در سال ۱۹۹۲، تولید ناخالص داخلی روسیه ۱۴/۵ درصد نسبت به سال ۱۹۹۱ افت کرد. این شاخص در سال ۱۹۹۳ به میزان ۸/۷ درصد، در سال ۱۹۹۴ به میزان ۱۲/۷ درصد، در سال ۱۹۹۵ به میزان ۴/۲ درصد و در سال ۱۹۹۶ به میزان ۶ درصد کاهش پیدا کرد.<sup>۱</sup> به این ترتیب، ارزش دلاری تولید ناخالص داخلی روسیه به نصف هلند (۱۹۸ میلیارد دلار) در سال ۲۰۰۰ نزول پیدا کرد و حجم تجارت داخلی آن به سطح کشور کوچکی مانند دانمارک رسید.<sup>۲</sup>

از دیگر مشکلات مهم اقتصاد روسیه تورم حاد است. نرخ تورم در روسیه در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ به ترتیب ۲۶۱۰ درصد، ۹۴۰ درصد، ۲۳۰ درصد، ۲۳۰ درصد و ۱۲۲ درصد بود.<sup>۳</sup> با استقرار روسیه از خارج، مشکل بدهیهای خارجی نیز به فهرست مشکلات

1. Oleg D. Davydov, "Inside Out: The Radical Transformation of Russian Foreign Trade, 1992-1997", New York: Fordham University Press, 1998, p.2.

2. Allen C. Lynch, "Roots of Russia's Economic Dilemmas: Liberal Economics and Illiberal Geography", *Europe-Asia Studies* Vol. 54, No. 1, 2002.

3. Davydov., *op. cit.*, p.2.

اقتصادی این کشور اضافه شد. سهم بدهی خارجی روسیه نسبت به تولید ناخالص داخلی آن از ۶/۲ درصد در سال ۱۹۹۷ به ۱۱/۸ درصد در سال ۱۹۹۸ و به ۱۳/۹ درصد در سال ۲۰۰۰ افزایش یافت.<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۰ میزان بدهیهای خارجی روسیه ۴۸ میلیارد دلار برآورد شد.<sup>۲</sup> مهمترین بازتاب مشکلات اقتصادی روسیه را می توان در گسترش فقر در این کشور دید. در سال ۲۰۰۰، نزدیک به ۳۸ میلیون نفر از ۱۴۵ میلیون نفر مردم روسیه زیر خط فقر زندگی می کردند.<sup>۳</sup> اوضاع وخیم اقتصادی روسیه سبب فرار سرمایه از این کشور شده است به نحوی که طبق برآوردها هر ساله ۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار از این کشور راهی بانکهای خارجی می شود.<sup>۴</sup>

این مشکلات سبب شده است که روسیه برای ادامه حیات اقتصادی خود به کمکهای ایالات متحده و سایر کشورهای غربی و نهادهای مالی و پولی بین المللی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی وابسته شود. بسیار بعید است که دولت روسیه دست به اقداماتی بزند که خشم ایالات متحده را برانگیزد و موجب کاهش یا قطع کمکهای اقتصادی امریکا یا کمکهای مالی نهادهایی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی شود. از همین رو، روسیه تا آنجا حاضر به پشتیبانی از ایران در برابر ایالات متحده است که حمایتهای مالی غرب از روسیه مورد تهدید قرار نگیرد. به عبارت واضح تر، روسیه تا آنجا در کنار ایران می ایستد که روابطش با امریکا آسیب جدی نیند. مسلماً هرگونه حمایت جدی روسیه از ایران در برابر حملات یا تهدیدهای امریکا صدمه شدیدی به روابط واشنگتن و مسکو خواهد زد و بر کمکهای اقتصادی غرب به این کشور تأثیر می گذارد. دیگر آنکه بر خلاف ایران، تضاد روسیه با امریکا تضادی ایدئولوژیک و بنیانی نیست. به عبارت دیگر، اختلاف روسیه با امریکا در واقع رقابت بر سر کسب منافع بیشتر است. روسیه مانند ایران خواهان نابودی نظام امریکا نیست بلکه مایل به همزیستی مسالمت آمیز ولی همراه با رقابت با امریکاست. لذا، روسیه حاضر نیست به هر قیمتی از ایران در مقابله با

1. Lynch., *op. cit.*, p.32.

2. *The Economist*, 13 January 2001, p. 91.

3. Fev Montiagn, "Russia Rising", *National Geographic*, November 2001, p. 9.

4. *Ibid.*



امریکا دفاع کند، بخصوص اگر این امر با خطر در گرفتن جنگ میان روسیه و امریکا همراه باشد. مسکو تا آن جا از ایران حمایت می‌کند که حیات روسیه و منافع ملی و حیاتی آن به خطر نیفتد. به عبارت دیگر، گرچه روسیه در ایران دارای علایق مهمی است ولی این علایق برای آن کشور از چنان اهمیتی برخوردار نیست که سبب شود به خاطر ایران با امریکا وارد جنگ شود. آگاهی امریکا از این موضوع، سبب کاهش شدید اعتبار همکاری تهران - مسکو برای بازداشتن امریکا از حمله به ایران می‌شود.

### چند تجربه عینی

بررسی موضعگیری‌های پیشین روسیه در قبال سایر متحدان آن بخوبی صحت برداشتهای بالا را نشان می‌دهد. چنانکه نشان خواهیم داد هرگاه روابط متحدین روسیه با امریکا دچار تنش شده مسکو به حمایت لفظی و سیاسی از متحدین خود در مقابل امریکا بسنده کرده است.

نمونه اول حمله نظامی امریکا و متحدین غربی آن به نیروهای صرب در بوسنی - هرزه گوین در سال ۱۹۹۲ است. گرچه از نظر تاریخی صرب‌ها همواره متحد روسیه بوده‌اند تا آنجا که روسیه برای حمایت از صربستان وارد مرداب جنگ جهانی اول شد، اما در بحران اخیر، مسکو غیر از حمایت لفظی از صرب‌های بوسنی گامی برای دفاع از متحدین قدیمی خود برنداشت. در عمل، روسیه با اشتیاق زیاد دست همکاری به غرب داد؛ در بحران بوسنی همکاری نزدیکی با سازمان ملل و گروه تماس (ایالات متحده، انگلیس، آلمان و فرانسه) به عمل آورد؛ نیروهای نظامی خود را برای شرکت در عملیات حفظ صلح به بوسنی اعزام کرد و در برنامه ونس - اوئن که برخلاف میل صرب‌ها منجر به جدایی بوسنی از صربستان شد شرکت جست. مهم‌تر از همه، روس‌ها مجازاتهای اقتصادی سازمان ملل بر ضد صرب‌ها را تأیید کردند. حتی در سال ۱۹۹۵ که امریکا تهدید به کنار گذاشتن بی‌طرفی و حمایت از نیروهای دولت بوسنی از طریق مسلح کردن آنها و سپس بمباران مواضع صرب‌ها در بوسنی کرد، روسیه جز اعتراضات سیاسی، هیچ‌گونه اقدام عملی برای

دفاع از متحدین صرب خود انجام نداد. گرچه برای متوقف کردن بمباران مواضع صرب‌ها، یلتسین ناتو را تهدید به اتخاذ «اقدامات مناسب» کرد اما با گذشت زمان و عدم واکنش روسیه، توخالی بودن این تهدیدها به خوبی مشخص شد.<sup>۱</sup>

بحران کوزوو بار دیگر ناتوانی روسیه از ایستادگی در مقابل غرب را برای همگان آشکار ساخت. بعد از اینکه در سال ۱۹۹۲ اکثریت مسلمانان آلبانی تبار کوزوو رأی به جدایی از صربستان دادند، دولت میلوسویچ رئیس جمهور صربستان، مبادرت به اعزام نیروی نظامی به کوزوو، کشتار هزاران تن از مسلمانان آلبانیایی تبار این ایالت و پاک سازی نژادی در این منطقه کرد. این اقدامات وحشیانه سبب حمله ارتش آزادبخش کوزوو به پلیس صربستان در سال ۱۹۹۷ شد. در فوریه ۱۹۹۸، دولت صربستان مبادرت به اعزام بر دیگر نیروی نظامی به کوزوو کرد و در سپتامبر همان سال نیروهای صرب بار دیگر اقدام به قتل عام مسلمانان کردند که منجر به حملات هوایی گسترده ناتو به مواضع صرب‌ها در کوزوو شد. به دنبال آن، امریکا و سایر اعضای ناتو در ماه مارس ۱۹۹۹ به تأسیسات مهم اقتصادی و نظامی در داخل صربستان حمله کردند. این حملات مانند بمبارانهای سابق صرب‌ها به دست ناتو در جریان بحران بوسنی با اعتراضات بسیار شدید روسیه روبه‌رو شد. علی‌رغم این اعتراضات، نیروهای ناتو تا زمان عقب‌نشینی نیروهای صرب از خاک کوزوو در سوم جولای ۱۹۹۹، به بمباران این کشور ادامه دادند. با این همه، دولت روسیه هیچ اقدامی برای دفاع از متحدین صرب خود انجام نداد. این، در حالی بود که ژنرال ویکتور چچواتف فرمانده نیروهای نظامی روسیه در شرق این کشور، حمله ناتو به صربستان را تمرینی برای تجاوز آتی ناتو به روسیه توصیف کرد.

مثال بارز دیگر از ناتوانی روسیه در ایستادگی در مقابل امریکا و متحدین اروپایی آن، موضوع گسترش ناتو به شرق است که مهمترین عامل اختلاف روسیه و غرب نیز بوده است. دولتمردان روسیه صرف نظر از گرایشهای سیاسی و وابستگیهای حزبی همگی با گسترش ناتو به شرق مخالفت کرده‌اند. نظرسنجیهای انجام شده نیز حاکی از مخالفت

1. Paul Kubicek, "Russian Policy and the West", *Political Science Quarterly*, Vol. 114, No.4 (1999-2000), pp. 550-554.

اکثریت مردم روسیه با گسترش ناتو به سمت مرزهای روسیه است. در واقع، مخالفت با عضوگیری ناتو از کشورهای اروپای شرقی از ویژگی‌های ثابت سیاست خارجی روسیه از سال ۱۹۹۳ به بعد بوده است.<sup>۱</sup>

دلایل مختلفی برای مخالفت روسیه با گسترش ناتو ارائه می‌شود. از نظر بعضی، گسترش ناتو حرکتی بر ضد روسیه است و لذا از آن به عنوان تهدیدی امنیتی و نشانه‌ای از عدم تمایل غرب به مشارکت واقعی روسیه یاد می‌شود. همین‌طور، گروهی دیگر آن را آغاز تقسیم‌بندی جدیدی در اروپا با هدف قرار دادن روسیه در مقابل سایر کشورهای اروپایی قلمداد کرده‌اند. بعضی نیز گسترش ناتو را سبب تضعیف دموکراسی در روسیه دانسته‌اند زیرا زمینه را برای به قدرت رسیدن گروه‌های ناسیونالیست روسی و مخالفان دموکراسی فراهم می‌کند.<sup>۲</sup>

با اینکه اعضای ناتو با تشکیل سازمان همکاری‌های امنیتی در اروپا<sup>۳</sup> موافقت کردند هم‌زمان اقداماتی را نیز برای گسترش ناتو انجام دادند. در این راستا، در سال ۱۹۹۴ سازمان مشارکت برای صلح<sup>۴</sup> تشکیل شد تا از طریق آن، همکاری بین کشورهای اروپای شرقی و جمهوری‌های سابق روسیه با ناتو تقویت شود به نحوی که پیوستن به این سازمان گام اول برای پیوستن به ناتو باشد. در سال ۱۹۹۴، بعد از مذاکرات تند و بحث‌انگیز، روسیه نیز به عضویت سازمان یاد شده درآمد. در سال ۱۹۹۶، بیل کلینتون رئیس‌جمهوری آمریکا اولویت بیشتری برای گسترش ناتو قائل شد و تلاش کرد تا حمایت سایر اعضای ناتو را نیز جلب کند. این تلاشها با مخالفت روسیه روبه‌رو شد اما ناتو به برنامه‌های خود برای گسترش به شرق ادامه داد و روسیه در نهایت ناچار شد به آن تن در دهد.<sup>۵</sup>

عامل دیگری که بهتر می‌تواند محدودیت‌های همکاری تهران - مسکو را در بازداشتن آمریکا از حمله به ایران نشان دهد بررسی سابقه همکاری‌های گذشته مسکو با ایران در امور

1. *Ibid.*, p. 554.

2. *Ibid.*

3. Organization for Security Cooperation in Europe (OSCE)

4. Partnership for Peace (PfP)

5. Kubicek, *op. cit.*, p. 555-6

نظامی است. دولت امریکا همیشه حساسیت بسیاری در قبال همکاریهای دفاعی تهران - مسکو از خود نشان داده و روسیه را برای توقف فروش اسلحه به ایران یا دست کم محدود کردن کمی و کیفی این تسلیحات تحت فشار قرار داده است. مشکلات اقتصادی روسیه که پیشتر ذکر آن رفت، سبب شده است که روسیه در برابر این فشارها سرخم کند و محدودیت‌هایی را برای رابطه نظامی خود با ایران قایل شود. این محدودیت‌ها عبارتند از:

الف) پایین نگه داشتن کیفیت تسلیحات فروخته شده به ایران،

ب) اعمال محدودیت بر سر عقد قرار داد فروش تسلیحات تازه.

روسیه زیر فشار امریکا، همواره از فروختن بهترین تسلیحات خود به ایران که ممکن است برای نیروهای امریکایی مستقر در منطقه خاورمیانه مشکلات جدی به وجود آورد، خودداری کرده است. در اینجا، فقط به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود. روسیه از فروش جنگنده‌های سوخو - ۲۷ به ایران خودداری کرده و در عوض نمونه‌های قدیمی آن یعنی سوخو ۲۴ را در اختیار ایران قرار داده است.<sup>۱</sup> این درحالی است که مسکو به کشوری عقب افتاده و از لحاظ استراتژیک کم اهمیت مانند یمن جت‌های سوخو ۲۷ فروخته است. همین مطلب، در مورد سیستم‌های پدافند هوایی موشکی هم که روسیه در اختیار ایران گذاشته است صادق است. روسیه تنها به فروش سیستم‌های سام - ۶ یا سام - ۵ که به ترتیب از تکنولوژی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ برخوردارند اکتفا کرده است و از واگذاری سیستم‌های بسیار پیشرفته تر مانند S-۳۰۰ یا سام - ۱۰ که معادل سیستم پاتریوت امریکاست خودداری کرده است.<sup>۲</sup> چرا که وجود این هواپیماها و سیستم‌های پدافند هوایی می‌تواند برای هواپیماهای امریکا که از پایگاههای منطقه یا ناوهای هواپیمابر پرواز می‌کنند خطرناک باشد و به این ترتیب، برتری هوایی امریکا را با خطر مواجه کند. این در حالی است که مسکو سیستم S-۳۰۰ را در اختیار کشور کوچک و بی اهمیتی مانند قبرس قرار داده است. همچنین روسیه، آمادگی خود را برای فروش سیستم S-۳۰۰ به اعضای شورای همکاری خلیج

1. Anthony H. Cordesman, "Iran's Military Forces in Transition: Conventional Threats and Weapons of Mass Destruction", London: Praeger, 1999, pp. 164-165.

2. *Ibid.*, pp. 179-183.

فارس اعلام کرده است. نمونه بارز دیگر پرهیز روسیه از فروش موشک‌های کروز ضد کشتی نظیر Sunburn است که توانایی از بین بردن ناوهای هواپیمابر و کشتیهای اسکورت آنها را دارند.<sup>۱</sup> فروش این موشک‌ها می‌تواند برتری دریایی امریکا را در خلیج فارس و دریای عمان با خطر جدی مواجه کند. در ارتباط با محدود کردن فروش تسلیحات تازه بایسته است به قرارداد موسوم به «الگور - چرنومیردین» اشاره کرد که در سال ۱۹۹۵ به صورت مخفیانه بین الگور معاون بیل کلینتون رئیس جمهور امریکا و چرنومیردین نخست وزیر وقت فدراسیون روسیه منعقد شد. برپایه این پیمان، دولت روسیه موافقت کرد که از عقد قراردادهای جدید برای فروش سلاح به ایران خودداری کند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به نکات مورد بحث، می‌توان گفت همکاری ایران و روسیه نمی‌تواند مانع از تشدید سیاست‌های امریکا بر ضد ایران شود. روسیه، در بهترین شرایط، ممکن است تنها از حق وتوی خود در شورای امنیت سازمان ملل استفاده کند تا مانع ایجاد یک ائتلاف سیاسی بین‌المللی به سرکردگی امریکا بر ضد ایران شود و از تکیه امریکا بر قطعنامه‌های سازمان ملل برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات تجاوزکارانه بر ضد ایران جلوگیری کند. همچنین، ایران نمی‌تواند از روسیه انتظار کمک نظامی داشته باشد زیرا این عمل با واکنش شدید امریکا روبه‌رو خواهد شد و روابط مسکو - واشنگتن را بشدت به مخاطره خواهد انداخت. حتی اگر روسیه حاضر به فروش تسلیحات به ایران باشد فروش جنگ‌افزارهای عمده نظیر سیستم‌های پدافند هوایی موشکی یا موشک‌های کروز ساحل به دریا گره‌ای از مشکلات ایران باز نخواهد کرد. تسلط و کسب مهارت در استفاده از این سیستم‌ها محتاج آموزش پرسنل و کسب تجربه عملی است که به زمان نیاز دارد. لذا، در صورت بروز درگیری، این تسلیحات کمک مؤثری به ایران نخواهد کرد. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی هر چند

1. *Ibid.*, pp.199-202

روابط ایران با روسیه اهمیت دارد اما نمی‌تواند نقش مؤثر و قاطعی در جلوگیری از تهاجم احتمالی آمریکا به ایران داشته باشد.

به دیگر سخن، جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند برای ممانعت از تهاجم احتمالی ایالات متحده، به ایفای نقش بازدارنده از سوی قدرتمندترین کشور دوست خود تکیه کند. بدین ترتیب و با عنایت به نامطمئن بودن این گزینه، چنین به نظر می‌رسد که کلید مدیریت بحران پدید آمده و کاستن از مشکلات و کنترل پیامدهای ناگوار احتمالی در روابط کنونی ایران و آمریکا، در درک اقتضائات ناشی از دیالکتیک واقعیت در جهان پس از یازده سپتامبر و نیز در خود این روابط نهفته است.

#### منابع و مأخذ:

1. Calabresi, Massimo: "The Axis of Evil Is It for Real?", *Time*, 11 February 2002.
2. Cordesman, Anthony H: "Iran's Military Forces in Transition: Conventional Threats and Weapons of Mass Destruction", London: Praeger, 1999.
3. Davydov, Oleg D: "Inside Out: The Radical Transformation of Russian Foreign Trade, 1992-1997", New York: Fordham University Press, 1998.
4. Goldman, Stuart D. et al: "Russian Missile Technology and Nuclear Reactor Transfers to Iran", *Congressional Research Service Report for Congress*, Updated 29 July 1998.
5. Kubicek, Paul: "Russian Policy and the West", *Political Science Quarterly*, Vol. 114, No.4, 1999-2000.
6. Lynch, Allen C : "Roots of Russia's Economic Dilemmas: Liberal Economics and Illiberal Geography", *Europe-Asia Studies*, Vol. 54, No. 1, 2002.
7. Montagn, Fev: "Russia Rising", *National Geographic*, November 2001.
8. *The Economist*, 13 January 2001.
9. Wehling, Fred: "Russian Nuclear and Missile Exports to Iran", *The Nonproliferation Review*, Vol. 6, No.2, Winter 1999.
10. Wehrefritz, George and Gregory Beals: "Powell's New War", *Newsweek*, 11 February 2002.